

رقابت مدرسه ای و محدودیت های آن

ابراهیم اصلانی

انگیزش در مدرسه ۵

اوست و ارتباط ذاتی با دیگران ندارد، اما در رقابت، ما این اهداف را مشترک تصور می کنیم و دانش آموزان را برای نیل به چنین اهداف مشترکی به رقابت وامی داریم.

رقابت مدرسه ای در سطوح مختلف، موافقان زیادی دارد به حدی که کاربردهای آن امری بدیهی و ضروری تلقی می شود. در این دیدگاه، رقابت مدرسه ای یکی از قوی ترین انگیزه های یادگیری محسوب می شود و نبود آن را موجب سستی و رخوت می دانند. با وجود موافقت گسترده و عمومی با رقابت،

مشوقان اصلی رقابت هستند. اگرچه هدف آنان تحریک و ترغیب دانش آموز به تلاش و فعالیت بیش تر است؛ اما آنچه در واقع هدف قرار می گیرد برتری جویی و پیش افتادن از دیگران است. در رقابت تحصیلی، هدف وصول آن چیزی است که مشترک تصور می شود نه این که ضرورتی بر مشترک بودن آن ها باشد. واقعیت این است که یادگیری آموزشی فرایندی برای کمک به رشد شخصیت یادگیرنده است، بنابراین، اهداف پیشرفت تحصیلی در مورد هر فرد مختص به خود

رقابت مدرسه ای را می توان این گونه تعریف کرد: «نوعی از رودررویی دانش آموزان برای وصول به آن بخش از اهداف پیشرفت تحصیلی که مشترک تصور می شوند و در مسیر رسیدن به رتبه یا جایگاه برتر، کنار زدن و پس انداختن رقبای امری اجتناب ناپذیر است.»

محدودیت اهداف در رقابت مدرسه ای بیش از آن که از شرایط واقعی ناشی شود به نگرش های دانش آموزان، و البته مهم تر از آن، به مشوقان رقابت بازمی گردد. والدین، معلمان و مربیان،



بیش تر افراد به اعمال محدودیت‌هایی در کاربردهای آن تأکید دارند. به‌طور معمول در دیدگاه‌ها و مباحث مربوط به رقابت، با تقسیم آن به مطلوب / نامطلوب، سالم / ناسالم، مثبت و منفی و غیره، به آثار زیان‌بار رقابت اشاره می‌شود. می‌توان گفت همان‌گونه که توافقی به نسبت عمومی در استفاده از رقابت وجود دارد به همان اندازه نیز از محدودیت‌های آن سخن به میان می‌آید.

احتیاط در کاربرد رقابت

در بیش تر کتاب‌های روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی رشد و همه‌ی کتاب‌هایی که با مسائل آموزش و یادگیری مرتبط هستند وقتی از رقابت مدرسه‌ای بحث می‌شود، احتیاط در کاربرد آن نیز توصیه می‌شود.

از نظر شعاری نژاد (۱۳۸۵) رقابت مطلوب یکی از انگیزه‌های تعلیم و تربیت است؛ زیرا در دروس ملال‌انگیز، زندگی نوینی ایجاد می‌کند، ولی استفاده از میل رقابت باید با احتیاط و دقت انجام گیرد تا موجب ناراحتی کودکان نشود. شریعتمداری (۱۳۶۷) نیز بر واقع‌بینی در رقابت تأکید می‌کند و اجتناب از دشمنی و ارادی بودن را از ویژگی‌های رقابت سالم برمی‌شمارد. وی می‌گوید: در هر حال، رقابت نباید محدود باشد و اگر فرد به‌صورت دائم در حال رقابت باشد بهداشت روانی او به خطر می‌افتد. گینات (ترجمه‌ی سرتیپی، ۱۳۷۱) از رقابت کثیف و ناسالم سخن به میان می‌آورد و یادآوری می‌کند که باید به دانش‌آموز بگوییم که رقابت کثیف و ناسالم خوب نیست و در شأن آدمی هم نیست. ما می‌خواهیم مدرسه، رونوشت واقعیت سرد و آزاردهنده‌ی بیرون نباشد. کرانباخ هم با موضوع رقابت بسیار محتاطانه برخورد می‌کند و می‌گوید: یک‌باره نمی‌توان گفت که رقابت در مدرسه بد است یا خوب؛ اگر

در رقابت رعایت تناسب بشود، ممکن است کار و تلاش را جالب‌تر کند و موفقیت‌های چشم‌گیر به بار بیاورد. او هم چنین بر معایب رقابت بیش تر تأکید می‌کند و معتقد است که معایب آن را اغلب، از نظر دور داشته‌اند. این معایب به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند

۱. آیا استفاده از رقابت نتایج مطلوب و معلوم به بار می‌آورد؟
۲. آیا همه‌ی افراد می‌توانند اعتماد داشته باشند که به هدف خود خواهند رسید؟

۳. برنامه‌هایی که براساس رقابت پی‌ریزی شده باشد، فقط افراد برجسته را خشنود می‌کند.

۴. رقابت به‌طور معمول مانع می‌شود که یادگیرنده عملکرد خود را به درستی بررسی کند.

۵. احساس افتخار به کار، وقتی پیدا می‌شود که یادگیرنده کار خود را نیک انجام داده باشد و این چیزی است که بدون رقابت نیز حاصل می‌شود.

۶. توجه فوق‌العاده به فرد سرآمد، احترام به نفس فرد متوسط را متزلزل می‌کند. رقابت چیزی نیست که همه کس را به سرحد توانایی خویش سوق دهد (ترجمه‌ی رضوی، ۱۳۶۴).

بیلر در کتاب «کاربرد روان‌شناسی در آموزش» (ترجمه‌ی کدیور، ۱۳۷۱) برای برانگیختن و حفظ علاقه به یادگیری در دانش‌آموزان، هفت توصیه ارائه می‌دهد که یکی از آن‌ها در مورد مراقبت از تأثیر سوء رقابت بیش از حد است. او می‌نویسد:

«در مدارس عمومی سنتی که از رویه‌ی رتبه‌بندی مقایسه‌ای استفاده می‌شود، رقابت نیروی محرک اصلی به‌کار می‌رود. نمی‌توان انکار کرد که رقابت، در یک نظام شایسته‌سالار، واقعیت زندگی است و این که مردم موفق اغلب وقتی رقابت می‌کنند خود را به جلو می‌برند. ولی اگر رقابت در مدرسه از حد

لازم فراتر رود، ممکن است دانش‌آموزان یادگیری را هم چون وسیله‌ای برای رسیدن به هدف (از دیگران بهتر شدن) به حساب آورند. آن‌ها ممکن است بیش تر به نگره‌داری موقعیت نسبی خود در کلاس علاقه‌مند باشند تا عملکرد واقعی خود (ص ۴۴۸).

مایر (نقل از کریمی، ۱۳۷۳) در توضیح ساختار رقابت‌آمیز، بیان می‌دارد وقتی کودکان درباره‌ی شایستگی خود به نتایجی می‌رسند، این نتایج منجر به فعالیت‌های خاص می‌شوند، در یک محیط رقابتی حق انتخاب‌ها محدود می‌شوند؛ زیرا موفقیت به‌جای تعریف شدن بر حسب تسلط بر تکلیف، بر حسب پایگاه نسبی تعریف می‌شود. این کار، باعث می‌شود که تنها چند کودک بتوانند در رده‌های بالا قرار گیرند.

بلوم در توجیه علل عدم موفقیت تعدادی از دانش‌آموزان، به این نکته اشاره می‌کند که شاید بعضی از ایشان دانش‌آموزانی باشند که با سایرین به رقابت شدید می‌پردازند و نمرات آموزشی‌شان را مهم‌تر از یادگیری تصور می‌کنند. وی بر این باور است که اگر محیط مدرسه برای دانش‌آموزان، شواهدی فراهم بیاورد که حاکی از شایستگی و لیاقت وی در کار مدرسه باشد، طی چند سال و به خصوص سال‌های نخست تحصیل، و پس از آن این تجارب موفقیت‌آمیز در چهار پنج سال بعد نیز تکرار شوند، برای مدت نامحدودی در فرد نوعی مصونیت در برابر بیماری‌های روانی ایجاد می‌شود. چنین فردی قادر خواهد بود تا بدون تحمل رنج و عذاب، بر بحران‌ها و فشارهای شدید زندگی غلبه کند (ترجمه‌ی سیف، ۱۳۶۳).

هارتلی بروئر بیان می‌دارد که شاید احساس رقابت امری طبیعی باشد؛ اما همیشه به انگیزش کمک نمی‌کند. کسی که پیوسته با دیگران رقابت می‌کند به این

محدودیت اهداف در رقابت مدرسه‌ای بیش از آن که از شرایط واقعی ناشی شود به نگرش‌های دانش‌آموزان، و البته مهم‌تر از آن، به مشوقان رقابت بازمی‌گردد

منابع

۱. بلوم، بنجامین. ویژگی‌های آدمی و یادگیری آموزشگاهی، ترجمه‌ی علی اکبر سیف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
۲. بیلر، رابرت. کاربرد روان‌شناسی در آموزش ج دوم، ترجمه‌ی پروین کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
۳. حسینی، افضل‌السادات. ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۷.
۴. خصارلو (میرهادی)، توران. جست‌وجو و راه‌ها و روش‌های تربیت، تهران: آگاه، ۱۳۷۶.
۵. سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران: نشر دوران، ۱۳۸۶.
۶. شریعتمداری، علی. روان‌شناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. روان‌شناسی رشد، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
۸. صفری، افسدس. رویکردی روان‌شناسانه به خلاقیت، رشد آموزش علوم اجتماعی شماره ۳۸، ۱۳۸۷.
۹. کرانباخ، لسی. جی. روان‌شناسی تربیتی، ج دوم، ترجمه‌ی مسعود رضوی، تهران: دهخدا، ۱۳۶۴.
۱۰. کریمی، یوسف (انتخاب و ترجمه). روان‌شناسی اجتماعی آموزش و پرورش. تهران: ویرایش، ۱۳۷۳.
۱۱. گینبات، هایم. روابط معلم و دانش‌آموز، ترجمه‌ی سیاوش سرتیپی، تهران: فاخته، ۱۳۷۱.
۱۲. هارتلی بروئر، الیزابت. ایجاد انگیزه در کودکان، ترجمه‌ی احمد ناهیدی، تهران: جوانه رشد، ۱۳۸۴.

امید است که بهتر بودن و ارزشمندی خودش را ثابت کند، ممکن است دچار مشکلات بشود. داشتن انگیزه‌های مؤثر به کودکان یاری می‌دهد بر بهبود خود تمرکز کنند و از قضاوت درباره‌ی کارهای دیگران خودداری کنند (ترجمه‌ی ناهیدی، ۱۳۸۴) در جمع‌بندی از نمونه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، نکاتی قابل توجه هستند:

● رقابت نباید به حسادت و دشمنی منجر شود.

● رقابت نباید بهداشت روانی دانش‌آموزان را به مخاطره بیندازد.

● رقابت نباید فقط به نفع عده‌ای محدود تمام شود.

● رقابت نباید جایگزین اهداف یادگیری شود.

● رقابت نباید مانع تفکر انتقادی و تفکر خلاق باشد.

● رقابت نباید در مدرسه به همان گونه‌ای باشد که در جامعه وجود دارد.

● رقابت نباید از حد اعتدال خارج شود.

● رقابت نباید نگرش‌های انسان‌گرایانه و آزاداندیشی را محدود کند.

● رقابت نباید جایگزین تلاش‌های انگیزشی دیگر شود.

● رقابت نباید به احساس شایستگی، آسیب وارد کند.

رقابت؛ کُنشده‌ی خلاقیت

مباحث مربوط به روش‌های تفکر، حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق (آفریننده)، و حتی موضوع‌هایی مانند فلسفه برای کودکان و پژوهشگری برای دانش‌آموزان، از سوژه‌های رایج و جذاب در تربیت غیررسمی و به‌ویژه تربیت رسمی (آموزش و پرورش) است. تأکید بر خروج از روش‌های کلیشه‌ای، یک‌نواخت، تحمیلی و خسته‌کننده در فرایند آموزش منجر به آن شده است که روان‌شناسان آموزشی و

یادگیری به روش‌های مبتنی بر فعال‌سازی یادگیرنده به‌جای توجه صرف بر «انتقال دانش» روی آورند. امروزه نمی‌توان از آموزش و یادگیری صحبت کرد؛ اما از تفکر انتقادی، تفکر خلاق و امثال آن سخنی به میان نیاورد. به همین لحاظ و با این فرض که خلاقیت موضوعی محوری و بنیادی در مباحث مورد نظر است، ارتباط بین خلاقیت و رقابت را مرور می‌کنیم.

آیا رقابت منجر به تقویت یا تضعیف خلاقیت می‌شود؟ شاید تصور عمومی این باشد که با ایجاد فضای رقابتی، به شناسایی و شکوفایی استعدادها و در نتیجه به پرورش خلاقیت کمک خواهیم کرد، اما واقعیت این چنین نیست. رقابت، یکی از موانع خلاقیت و در واقع، کُنشده‌ی آن است.

حسینی (۱۳۸۷) معتقد است که در کنار عوامل اساسی علاقه به کار و درگیری عمیق با کار انفرادی، برای خلاق بودن لازم است افراد خلاق از محدودیت‌های خارجی آزاد باشند، اگرچه انسان بدون انگیزه‌های بیرونی و درونی نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد، ولی پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که انگیزه‌ی درونی می‌تواند نقش سازنده‌تری در تحقق خلاقیت داشته باشد. در حالی که انگیزه‌ی بیرونی که بر اساس عوامل خارجی است به‌طور مثال بردن جایزه یا رقابت، اغلب با رضایتمندی درونی توأم نیست.

خمارلو (۱۳۷۶) نیز در بحث از عوامل تقویت‌کننده و عوامل بازدارنده‌ی خلاقیت (آفرینندگی)، بیان می‌کند که دخالت و راهنمایی بیش از حد معلم، نمره دادن و مقایسه، تحسین و انتقاد مبالغه‌آمیز از کار کودکان عوامل محدودکننده‌ی بروز خلاقیت در فعالیت‌های هنری هستند. ولی کار گروهی و مشارکت

دادن همه‌ی دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی و هنری را برای تقویت خلاقیت مؤثرتر می‌داند.

صفری (۱۳۸۷) هم در بحث از موانع و عوامل بازدارنده‌ی خلاقیت به دو گروه؛ موانع فردی و اجتماعی اشاره می‌کند. در موانع اجتماعی خلاقیت، از خانواده و مدرسه سخن به میان می‌آید. در مورد خانواده این اعتقاد وجود دارد که چهار عامل: ارزیابی خارجی، پاداش، رقابت، و انتخاب محدود، کُنشده‌ی خلاقیت هستند و خلاقیت را محدود می‌کنند. در مورد مدرسه و معلم نیز با استناد به پژوهشی گسترده از الیور یو، با عنوان «بازداری خلاقیت» آمده است: مواد درسی که بر تفکر همگرا تأکید فراوان دارند و معلم آن‌ها را در قالب روش‌های غیرقابل انعطاف، بدون حس شوخ‌طبعی یا با رقابت بین دانش‌آموزان، همراه با برقراری نظم استبدادی و بدون اجازه‌ی بروز اشتباه تدریس می‌کنند، مانع بروز خلاقیت هستند. هم‌چنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تأکید شدید بر رقابت و هم‌نوازی، از عوامل بازدارنده‌ی خلاقیت است.

حسینی (۱۳۸۷) به معلمان توصیه می‌کند برای آن‌که بتوانند کلاسی داشته باشند که قوای خلاق را برانگیزند، از ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان به شدت پرهیزند. رقابت از مواردی است که می‌تواند احساس امنیت دانش‌آموز را به شدت خدشه‌دار کند. بنابراین برای پرورش خلاقیت، بهتر است به‌جای رقابت، به همکاری و همدلی پردازند. سیف (۱۳۸۶) هم در بیان روش‌ها و فنون پرورش خلاقیت، با یادآوری احترام نسبت به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان، اجتناب از رقابت را توصیه می‌کند.